

علی اصغر شریف

رفتار متقابل در قانون تابعیت

پژوهشگاه علوم - ۵ - مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

ما در مقاله قبل موضوع معامله متقابل را در قانون ثبت علامت و اختراعات مطالعه کردیم اینک در دنبال آن مقال موضوع دیگری که در قانون مزبور پیش بینی شود بطور تذکر بیان داشته و بسراغ قوانین دیگری که در آن عنوان معامله متقابله پیش بینی شده میرویم و آن استعمال بیرقها یا سایر علامتی است که بطور علامت تجارتی منع گردیده .

توضیح آنکه ماده پنجم قانون ثبت علامت تجارتی مصوب تیرماه ۱۳۱۰ چنین

مینگارد :

« علامت بیرق مملکتی و سلطنتی ایران و هر بیرق دیگری که دوات استعمال

آنها بطور علامت تجارتي منع کند و همچنین علامت شیر و خورشیدی - نشان ها مدال ها و انگک های دولتي و تمثال پادشاه و ولیعهد و هم چنین مؤسسات رسمي مانند شیر و خورشید سرخ و صلیب احمر و نظائر آن ممنوع است...

در تجارت : « هر بیرق دیگری که دولت ایران استعمال آنها بطور علامت تجارتي منع کند... چنین مفهوم میشود که مقنن موضوع را نسبت بهر مورد موکول به تصویب هیئت دولت نموده و بدیهی است از مفهوم مخالف آن اینطور بر میآید چنانچه دولتي بنابر اصل معامله متقابله چنین تقاضایی از دولت ایران بنماید. هیئت دولت ممکن است روی نزاکت بین المللی و بنابر اصل فوق الذکر موضوع استعمال بیرق مذکور در ماده پنج قانون ثبت علائم و اختراعات را بطور علامت تجارتي در موارد مخصوص اجازه دهند.



باید دید چرا استعمال علائم مذکوره بعنوان علامت تجارتي ممنوع است ؟ در بادی امر چنین بر میآید از نظر مین پرستی و غرور ملی باید علائم مذکوره که بین و مشخص و نماینده هر کشور است و برای مصنوعات داخلی مخصوصاً از نظر تشویق و امتیاز لازم است افتخاراً اجازه استعمال آن صادر گردد (تا چشم مصرف کنندگان همیشه متوجه آن کشور باشد) مهذا قانون گذار استعمال آن را بطور علامت تجارتي ممنوع داشته است .

بطوریکه میدانید هر کشوری علامتی را برای خود انتخاب و این علامت که روی پارچه نقش و بصورت بیرق یا پرچم نشان داده میشود نشانه شناسایی بکشور است پرچمی که در ایران باستان جنبه تاریخی دارد درفش کاویان است که خود نماینده معدنات خواهی مردم این مرز و بوم بوده است.

در جنگها - سلامها - رژهها - میدانهای نبرد پرچم نماینده کشور و احترامی

که برای پرچم در آئین آرتشی مقرر است بالا ترین و شایسته ترین احترام و تعظیمی است که رعایت آن بر هر فرد نظامی و کشوری واجب و الزامی میباشد.

همین احترام است که قانون گذار هم برای حفظ غرور ملی و هم افتخارات قومی استعمال نظیر پرچم را در علامات تجارتي نهی نموده تا از احترام آن در نتیجه اصطکاک با منافع خصوصی افراد و در دسترس واقع شدن آن کاسته نشود و مقام و سربلندی آن در جامعه محفوظ و برقرار بماند.

پرچم هر کشوری با علامتی که مشخص قومیت آن کشور است نمایش دهندۀ ذوق و خصوصیات اخلاقی مردم آن سرزمین است مثلاً شیر و خورشید ایران با آن شمشیر در دست شیر و آن اتکاء خورشید به پشت شیر و با استفاده از رنگهای سبز و سفید و سرخ که هر کدام علامت مخصوصه و نشانه يك موضوع است و بهرور ایام تعبیه شده - اینك معرف قومیت و ملیت مردم آریائی نژاد و سرزمین ایران باستان است.

حال که علل معنوی و جهات منع قانونی استعمال بیرق بعنوان علامت تجارتي بدست آمد بطور خلاصه موارد پذیرش آن بشرط معامله متقابله که مانع قانونی ندارد عبارت است.

اولاً - ثبت تجارتي از هر قسمه علامتی اعم از نقش - تصویر - رقم - حرف - عبارت - مهر و غیر آنکه برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی - تجارتي و یا فلاحتی تخصیص داده شده باشد.

ثانیاً - ثبت اختراع که عبارت از ابداع هر محصول صنعتی جدید.

ثالثاً - کشف هر وسیله جدید یا اعمال و وسائل موجوده بطرز جدید برای تحصیل

يك نتیجه یا محصول صنعتی یا فلاحتی.



اینک بموضوع دیگری که در آن معامله متقابله گنجانده شده میپردازیم و آن تابعیت است .

قانون تابعیت

قبل از آنکه مورد یا مواردی که معامله متقابله در قانون تابعیت میتوان جستجو کرد ذکر کنیم بندها مالکیت اتباع خارجه در ایران به بینیم بچه صورت است ؟ این موضوع در دو مورد باید مطالعه شود:

۱- در موضوع ارث

۲- در مورد استملاك منقول یا غیر منقول اموال کشاورزی و اموال صنعتی مستقراً باصل ۶ و ۱۷ قانون اساسی و مواد ۵-۷-۸-۹۶۱-۹۶۷ قانون مدنی مقرراتی پیش بینی شده که بیگانه را ممنوع از ارث مینماید .

طبق قوانین موجوده اموال اتباع بیگانه در ایران از هر تعرض غیر قانونی مصون بوده و سلب مالکیت از آنها جز بحکم قانون ممکن نیست - اتباع بیگانه مقیم ایران از حیث مسائل مربوط باحوال شخصیه و حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع مقررات دولت متبوع خود بوده و اتباع مزبور جز در موارد استثنائی (مانند حقوق مخصوصه که صرفاً از نظر جامعه ایرانی اتخاذ شده باشد) از حقوق مدنی ایرانی متمتع میباشند و ترکه منقول و غیر منقول خارجیان از حیث قوانین اصلی

وراثت مانند تعیین وارث - مقدار سهم الارث و غیره تابع مقررات قانون دولت متبوع متوفی میباشد.

اگر اموال مورد ارث منقول باشد بدون قید و شرط ارث میبرند و هرگاه اموال مورد ارث غیر منقول باشد طبق قانون ۱۶ خرداد ۱۳۱۱ باید رفتار شود. در مورد اموال غیر منقول هر خارجی بشرط معامله متقابله اصولاً میتواند یک خانه برای سکونت و یک محل برای کسب در ایران استملاک نماید.

در مقدمات فوق باین نتیجه میرسیم: مزایایی که برای بیگانگان در قانون پیش بینی شده و با شرط معامله متقابله از نظر مالکیت و حفظ حدود تابعیت خارجی اتباع بیگانه و فراهم آوردن وسائل آسایش و زیست آنان وارد گردیده موضوع مالکیت است تا اتباع خارجی نتوانند با در نظر گرفتن آن مقررات و وسائل زیست خود را بخوبی آماده سازند.

حال که بحزیت فوق پی بردیم بسایر مقررات تابعیت میپردازیم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تابعیت در ایران

موضوع تابعیت در ایران قدیم را میتوان از روابط خارجی ایرانیان در دوره های قبل از اسلام تشخیص داد چه معلوم است که روابط ایران در زمان هخامنشی- اشکانی یا ساسانی روابط بین المللی نبود زیرا دنیای آن روز عبارت از یکی دولتی بود که با هم روابط اعم از جنگی یا غیر جنگی داشتند مثلاً زمان ساسانی دنیای آن

زمان عبارت بود از ایران و روم.

چین و هند در آن زمان دور و برکنار بودند چنانکه در تاریخ تمدن قدیم چین و هند جرگه جداگانه تشکیل داده بودند.

(صرفنظر از روابطی که بادوات هیاطله و ترکستان ایجاد شده بود ولی طولی نکشید که هیاطله بدست انوشیروان منقرض شده و دومی در زمان هرمز چهارم قبول نمود که باج بایران بدهد.)

روابط آن روزی دولتین مثل روابط دول امروزی نبود که سفرای دائمی در دربار یکدیگر نگاهداشته و منافع افراد و اتباع خود را بوسیله آنان حفظ نمایند بلکه هر زمان اقضا میکرد طرفین سفیری بدربار یکدیگر میفرستادند و موضوع ایجاد روابط تجارتهی یا سیاسی یا غیر آنرا پیش میکشیدند چنانکه در زمان انوشیروان سفیری از طرف رای هندی بایران آمده و شطرنج را هدیه آورد دور رابطه بهرام گور با هند چنین نقل میکنند:

« بهرام بعد از فتح نسبت به هیاطله به بند رفت و پادشاه هند در ازای جلوگیری از هیاطله که برای هند هم خطرناک بود مملکت سند و مکران را به بهرام گور واگذار کرد و بهرام دوازده هزار نفر برای راهشگری و خنیاگری از هند بایران آورد وضعیت این دوازده هزار نفر و تابعیت آنان در صورتیکه روایت صحیح باشد زمینه تابعیت را در آن تاریخ روشن میسازد باین معنی همینکه افراد مزبور وارد این سرزمین میشدند بدیهی است بتابعیت ایران در میآمدند.

در زمان اسلام عنوان جزیه تکلیف و روش تابعیت را معلوم میدارد زیرا ورود در جرگه مسلمین و قبول اسلام خود يك نوع تابعیت را در بردارد.

تحمیل جزیه وضع خاص حقوقی افرادی را تعیین میکند که در تحت حمایت مسلمین درآمده و بر مسلمین واجب بود که جزیه دهندگان را حمایت کنند و مطابق

شروطی که برای دادن جزیه با آنها میبندند باید از آزادی و دین آنها دفاع کنند و مانند همه مسلمین با آنها رفتار نمایند و ستم کردن و فشار بآنها و بیش از توانائی آنها تحمیل کردن حرام است و از این حیث مانند مسلمین هستند و این دسته از کفار را اهل ذمه گویند زیرا تمام این حقوق و امتیازات مقتضای ذمه خدا و پیغمبر بآنها داده میشود.

و اما دسته‌ای که میان مسلمین و آنها عهد و پیمان بسته میشود و هر طرف باستقلال طرف دیگر اعتراف میکنند متعهد و هم پیمان ناهیده میشود. باید دانست که جزیه يك دستمزد خیلی کمی میباشد که در برابر دفاعی که حکومت اسلامی از آنها میکند وصول میشود و یا يك اعانه‌ای برای نیروی اسلامی بود که حامی و نگاهدار آنها از تعدی دیگران باشند.

این معانی از آیه «حتی يعطوا الجزیة عن یدوهم صاعرون» برمیآید اسلام دادن جزیه را موکول بدو شرط کرده :

- ۱- آنکه آنها از روی استطاعت و توانائی بدهند نه در اثر فشار و زور.
 - ۲- اینکه باین واسطه قدرت و شوکت طرف را درهم شکسته میشود و آنها را مطلع و فرمانبردار خود میسازند و در اثر این عمل چون با مسلمین معاشرت میکنند و از دادگستری آنها آگاه میشوند باسلام نزدیکتر میشوند.
- از ذکر تاریخچه فوق چنین برمیآید در زمان حکومت اسلام تابعیت نحوه خاصی داشته و امر مذهب و تشرف بدین اسلام یا قبول جزیه تکلیف تابعیت را در آن موقع معلوم میکرد.